

خلاصه بخش دوم کتاب

"منجی به روایت اسلام و مسیحیت"

پاییز ۱۴۰۴

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه ای از بخش دوم کتاب «منجی به روایت اسلام و مسیحیت» ترجمه «المخلص بین الاسلام و المسیحیه» نوشته «باسم الهاشمی» که توسط «دکتر محسن احتشامی نیا» ترجمه شده است.

نکته مهم در این کتاب این است که مدت رسالت و نبوت حضرت مسیح علیه السلام از ۳ سال تجاوز نکرده است و کلاً ایشان به مدت ۳ سال برای قوم بنی اسرائیل و بقیه مردم پیامبری کرده است و طبق گفته های این نویسنده که مستند به آیات قرآن نیز می باشد، ایشان بنا بر آوردن دین جدید نداشته و محتوای اصلی دین او همان آموزه های تورات بوده است. فقط برخی از انحرافات را اصلاح کرده است و این مهم در آیه ۵۰ سوره مبارکه آل عمران تأکید و تصریح شده است: وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَلَأُحِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي هُرِّمَ عَلَيْكُمْ: و آنچه را از تورات پیش از من بوده، تصدیق دارم و [آمده ام] تا برخی از چیزهایی را که [در گذشته به سزای ستمکاری و گناهانتان] بر شما حرام شده حلال کنم...

نویسنده تأکید کرده است که خدای متعال ایشان را بعد از خطر مصلوب ساختن و کشته شدن توسط منحرفین از یهود، به آسمان عروج داد تا او را حفظ و برای «مأموریت مهمی در آینده» ذخیره کند که این مأموریت از نظر نویسنده، حضور ایشان در کنار امام زمان (عج) در دوران ظهور می باشد.

این نویسنده در آغاز بحث بر این مهم تأکید می کند که اینگونه نیست که تمام آنچه هم اکنون در اناجیل یعنی انجیل های چهارگانه و یا عهد جدید موجود است لزوماً تماماً تحریف شده باشد بلکه بسیاری از نسیم های صادقانه نبوت در جای جای انجیل پراکنده است و اینگونه نیست که هرچه در اناجیل موجود است تحریف شده باشد. (صفحه ۱۲۴ کتاب)

کلمه «انجیل» از کلمه یونانی «اونجلیون» گرفته شده است به معنای «خبر نیکو» یا «بشارت رهایی» یا «آشکار ساختن این بشارت» و لذا دانشمندان معتقد هستند که وظیفه اصلی حضرت مسیح علیه السلام در آن ۳ سال تکمیل کنندگی دین قبلی و زمینه سازی و بشارت برای پیامبر آخرالزمان بوده است. این مهم در قرآن کریم هم تصریح شده است: و مبشرا برسول من بعدی اسمہ احمد...

از برخی عبارات انجیل های گوناگون چنین برداشت می شود که بشارت ایشان جهانی بوده و به یارانش توصیه می کرده که بشارت یا همان انجیل را برای همه مردم و خلائق موعظه کنند. (صفحه ۱۲۹ کتاب) در انجیل های چهارگانه بسیار به این عبارت برمی خوریم که حضرت مسیح علیه السلام به «ملکوت آسمان» موعظه می کرده و بشارت می داده است و یا به «ملکوت خدا». متای قدیس در انجیل خود می گوید: «این ۱۲ نفر را عیسی فرستاده به ایشان وصیت کرده گفت چون می روید موعظه کرده و گوید که ملکوت آسمان نزدیک است.» یا در عبارت دیگری دارد که ملکوت خدا به شما نزدیک شده است. حالا باید ببینیم منظور از ملکوت خدا یا ملکوت آسمان ها چیست؟ (صفحه ۱۳۰ کتاب)

اصطلاح «ملکوت» در انجیل مرقس ۱۴ مرتبه و در انجیل لوقا ۳۹ مرتبه و در انجیل متی ۳۲ بار به کار رفته است که بعد از بررسی کلی این متنها برای نویسنده به وضوح آشکار شده است که «ملکوت» همان «فرمانروایی» و «ملکوت خدا» همان «حکومت خدا بر روی زمین» است. (صفحه ۱۳۲ کتاب)

در گزارش متّای قدیس آمده است: «ملکوت تو بیاید. اراده تو چنانکه در آسمان است بر زمین نیز کرده شود.» (منبع: انجیل متّی، باب ۶ بند ۱۰) (صفحه ۱۳۲ کتاب) این همان ملکوت خداست که مسیحیان در تمام دعاهاى روز یکشنبه خود از خداوند خواستار آن هستند و همانگونه که حضرت مسیح به آنان آموخته است در انتظار آمدن آن به سر می‌برند با وجود اینکه خود مسیحیان مراد واقعی از عبارت ملکوت را نمی‌دانند. (صفحه ۱۳۴ کتاب)

نویسنده این کتاب معتقد است که اگر موضوع «ملکوت خدا» نمی‌بود هرگز کار به تهدید قتل و نبرد با حضرت مسیح علیه‌السلام کشیده نمی‌شد. آن پیامبر الهی در مواقع زیادی به شاگردان و حواریون خود طی عبارات گوناگون اعلام کرده بود که قرار است به آسمان عروج کند و هدف او این بود که شاگردانش برای این رخداد آماده باشند. (صفحه ۱۴۰ کتاب)

در انجیل یوحنا باب ۱۶ آمده است که حضرت مسیح علیه‌السلام در اجتماعى به شاگردان خود فرمود: «بعد از اندکی مرا نخواهید دید و آنگاه بعد از اندکی باز مرا خواهید دید. شما محزون می‌شوید لیکن حزن شما به خوشی مبدل خواهد شد.» به نظر می‌رسد این عبارات نشان دهنده بازگشت حضرت مسیح علیه‌السلام از آسمان به زمین است. (صفحه ۱۴۲ کتاب) در انجیل یوحنا باب ۱۴ بند ۲۸ این عبارت از قول ایشان آمده است که: «شنیده‌اید که من به شما گفتم: می‌روم و نزد شما می‌آیم» این عبارت حاکی از بازگشت حضرت مسیح علیه‌السلام به زمین است.

نویسنده در این بخش از کتاب به بررسی این مهم پرداخته است که علت بازگشت حضرت مسیح علیه‌السلام از آسمان به زمین چه بوده است و چرا باید پیامبر بزرگ الهی سالها در آسمان در پناه خدا نگهداری شود و سپس به زمین بازگردد؟ شکی نیست که این بازگشت دارای فلسفه و هدفی بزرگ می‌باشد. نویسنده معتقد است هدف مستقیمی که حضرت مسیح علیه‌السلام برای تحقق آن سعی می‌کند یا حداقل در آن شریک است، در به پاداشت و اداره «ملکوت و دولت و حکم خداوند» بر زمین خلاصه می‌شود. (صفحه ۱۴۶ کتاب)

در بخش بعدی کتاب به بررسی مفهوم عبارت «ملکوت خدا» در سخنان حضرت مسیح علیه‌السلام پرداخته شده است. اناجیل گفتارهای فراوانی از حضرت مسیح علیه‌السلام را درباره ملکوت خدا نقل کرده اند که این سخنان ابعاد زیادی از آن را در بر دارد و معمولاً به شکل نمادین و اشاره ای و تلمیهی و تصریح مختصر است. حضرت مسیح علیه‌السلام از حتمیت پیروزی برنامه الهی سخن گفته است و اینکه باید افراد و جوامع بشری فرمان خدا را بر روی زمین پیاده و اجرا کنند. (صفحه ۱۴۷ کتاب)

به جهانی بودن حکومت الهی آخرالزمان هم به این شکل در انجیل لوقا باب ۱۳ بند ۲۹ اشاره شده است: «و از مشرق و مغرب و شمال و جنوب آمده در ملکوت خدا خواهند نشست.»

دولت جهانی و مورد انتظار خدایی هیچکس را جز با شرایط و خصوصیات معین و مشخص نخواهد پذیرفت. در انجیل متی باب ۱۸ بند ۳ آمده است: «تا بازگشت نکنید و مثل طفل کوچک نشوید هرگز داخل ملکوت آسمان نخواهید شد.» و این اشاره به بی‌گناهی و اطاعت و تسلیم بودن کودکان است که خصوصیتی است که یاوران حکومت الهی آخرالزمان خواهند داشت. (صفحه ۱۴۹ کتاب)

و در جای دیگری حضرت مسیح علیه السلام می‌فرماید: «و باز شما را می‌گویم که گذشتن شتر از سوراخ سوزن آسان‌تر است از دخول شخص دولتمند در ملکوت خدا.» (انجیل متی باب ۲۹ بند ۲۴)

عبارات دیگری از اناجیل چهارگانه در این کتاب پیرامون توضیح درباره ملکوت خدا و شرایط افرادی که وارد آن می‌شوند در کتاب ذکر شده است که بخشی از آنها مربوط به نقد این پیامبر الهی نسبت به کاتبان و فریسیان ریاکار بوده است، کسانی که بر کرسی موسی نشسته‌اند اما دچار انحراف و سوء عمل شده‌اند. (صفحه ۱۵۲ کتاب) اما عباراتی درباره ملکوت خدا در اناجیل هست که احتمال اینکه منظور از ملکوت خدا حکومت عدل الهی آخرالزمان باشد را تقویت می‌کند که به چند نمونه آن اشاره می‌کنیم:

«از این جهت شما را می‌گویم که ملکوت خدا از شما گرفته شده به امتی که میوه‌اش را بیاورند عطا خواهد شد.» (انجیل متی باب ۲۱ بند ۴۳)

«خوشا به حال شما ای مساکین! زیرا ملکوت خدا از آن شماست و خوشا به حال شما که اکنون گرسنه‌اید زیرا که سیر خواهید شد. خوشا به حال شما که الآن گریانید زیرا که خواهید خندید.» (انجیل لوقا باب ۶ بندهای ۲۰ و ۲۱)

«خوشا به حال زحمت‌کشان برای عدالت، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است.» (انجیل متی باب ۵ بند ۱۰)

همچنین در اناجیل، پیرامون هنگام بازگشت حضرت مسیح علیه السلام و نشانه‌های آن سخنانی وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: حضرت مسیح درباره وقت قیام ملکوت خدا در آخرالزمان گوید: «لیکن هر که تا به انتها صبر کند نجات یابد و به این بشارت ملکوت در تمام عالم موعظه خواهد شد تا بر جمیع امت‌ها شهادتی شود آنگاه انتها خواهد رسید. (انجیل متی باب ۴۴ بندهای ۱۳ و ۱۴)

درباره نشانه‌های قبل از ظهور ملکوت خدا ایشان به شاگردانش گفت: «و جنگ‌ها و اخبار جنگ‌ها را خواهید شنید. زلزلها مضطرب مشوید زیرا که وقوع این همه لازم است.» (انجیل متی باب ۲۴ بند ۶) در جای دیگر حضرت مسیح علیه السلام می‌فرماید: «لیکن انتها هنوز نیست، زیرا قومی با قومی و مملکتی با مملکتی مقاومت خواهند نمود و وباها و قحطی‌ها زلزله‌ها در جای‌ها پدید آید اما همه این‌ها آغاز دردهای زه (زایمان) است.» (انجیل متی باب ۲۴ بندهای ۶ الی ۸)

ایشان همچنین به ادعای ظهور مسیح‌های گوناگون بابت راهزنی اشاره کرده و فرموده است: «زنهار! کسی شما را گمراه نکند. زان رو که بسا به نام من آمده خواهند گفت که من مسیح هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد» (انجیل متی باب ۲۴ بندهای ۴ و ۵)

ظهور پسر انسان

حضرت مسیح علیه السلام از آمدن «پسر انسان» سخن گفته است کسی که مسیحیان باور دارند خود مسیح است اما این با سیاق عبارات ناسازگار است و ما اعتقاد داریم که پسر انسان همان امام مهدی (عج) است. این را در فصل آینده کتاب اثبات خواهیم کرد. (صفحه ۱۶۴ کتاب) حضرت مسیح بعد از اشاره به جنگ بزرگ آخرالزمان و نشانه‌های آخرالزمانی، می‌فرماید: «زیرا همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می‌شود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد.» (انجیل متی باب ۲۴ بند ۲۷)

ایشان به خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی قبل از فرود آمدن حضرت مسیح علیه السلام برای برپایی ملکوت اشاره کرده و فرموده است: «و فوراً بعد از مصیبت آن ایام آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد.» (انجیل متی باب ۲۴ بند ۲۹) حضرت مسیح علیه السلام نشانه‌های دیگری هم از آخرالزمان بیان فرموده است مانند:

«... و ستارگان از آسمان فرو ریزند.» (انجیل متی باب ۲۴ بند ۲۹) و یا این عبارت که «و قوت‌های افلاک متزلزل گردد.» (همان بند ۳۰) که نویسنده معتقد است اینها اشاراتی به جنگ‌های آسمانی است. سپس آورده است که «آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد.» (همان بند ۳۰)

عیسای ابن مریم علیهما السلام از دیگر نشانه‌های آسمانی سخن می‌گوید: «و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی (یعنی شیون و زاری) کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می‌آید.» (همان باب ۲۴ بند ۳۰) نویسنده معتقد است عبارت اخیر می‌تواند اشاره به حرکت هواپیمای حضرت مهدی (عج) باشد که بر روی ابرها حرکت می‌کند. (صفحه ۱۶۵ کتاب)

ایشان درباره زمان این ظهور مبارک هم این چنین فرموده است: «اما از آن روز و ساعت هیچکس اطلاع ندارد حتی ملائکه آسمان جز پدر من (منظور خداوند جل و علا است) و بس.» (انجیل متی باب ۲۴ بند ۳۶)

جالب است که در عباراتی از حضرت مسیح علیه السلام به ظهور ناگهانی ملکوت خدا اشاره شده است برای مثال در انجیل متی باب ۲۴ بندهای ۳۷ الی ۴۴ به شباهت زمان ظهور پسر انسان با نرول دفعی طوفان نوح اشاره شده است که مردم مشغول کارهای عادی خود بودند که ناگهان با طوفان عظیم نوح مواجه شدند و ظهور پسر انسان را نیز تشبیه به همان فضا فرموده است.

نویسنده این کتاب (منجی به روایت اسلام و مسیحیت) با بررسی برخی شواهد در انجیل و استخراج معنای مثال‌هایی که در جملات حضرت عیسی علیه السلام آمده است، معتقد است که حضرت مسیح علیه السلام برای اصحابش درباره غیبت پسر انسان که ظهور او به تأخیر می‌افتد و طول می‌کشد مثال زده است و بعد از آن توصیف، ظهور ناگهانی ملکوت خدا را بیان فرموده است. این مسئله در مثالی طولانی در انجیل متی باب ۲۵ بندهای ۱ الی ۱۳ آمده است.

اما از دیگر جاهایی که به صراحت بیشتری به این موضوعات اشاره شده این عبارت از انجیل متی باب ۲۵ بندهای ۳۱ الی ۳۵ است که حضرت عیسی علیه السلام فرموده است:

«اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید، آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست و جمیع امت‌ها در حضور او جمع شوند و آنها را از همدیگر جدا میکند به قسمی که شبان میش‌ها را از بزها جدا میکند و میش‌ها را بر دست راست و بزها را بر چپ خود قرار میدهد، آنگاه پادشاه به اصحاب طرف راست گوید: بیایید ای برکت یافتگان از پدر من و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است به میراث گیرید.» (صفحه ۱۶۸ کتاب)

حضرت مسیح علیه السلام درباره علائم ظهور پسر انسان به اصحابش فرموده است: «قومی با قومی و مملکتی با مملکتی مقاومت خواهند کرد و زلزله‌های عظیم در جای‌ها و قحطی‌ها و وباها پدید و چیزهای هولناک و علامات بزرگ از آسمان ظاهر خواهد شد.» این مطلب در انجیل لوقا باب ۲۱ بندهای ۹ الی ۱۱ بیان شده است. (صفحه ۱۶۰ کتاب)

همانطور که یک سری توصیه‌های اخلاقی در اسلام برای منتظران ظهور امام زمان علیه السلام وجود دارد، حضرت مسیح علیه السلام نیز برای یاران خود چنین توصیه‌ای را در ایام انتظار فرموده است:

«پس خود را حفظ کنید! مبدا دل‌های شما از پر خوری و مستی و اندیشه‌های دنیوی سنگین گردد و آن روز ناگهان بر شما آید؛ زیرا که مثل دامی بر جمیع سکنه‌ی روی زمین خواهد آمد. پس در هر وقت دعا کرده بیدار باشید تا شایسته آن شوید که از جمیع این چیزهایی که به وقوع خواهد پیوست، نجات یابید و در حضور پسر انسان بایستید.» انجیل لوقا باب ۲۱ بندهای ۳۴ الی ۳۶ (صفحه ۱۷۱ کتاب)

انتظار بازگشت مسیح علیه السلام

بعد از آنکه بشارت‌های پیامبران گذشته در مورد نزدیکی قیام ملکوت خدا فرا رسید در مومنان مسیحی حالتی از مراقبت و انتظار برای این ملکوت خدا ایجاد شد. نمونه‌ای از بشارت پیامبران خدا بشارت حضرت یحیی علیه السلام است که لوقای قدیس در انجیل خود گفته است: «تورات و انبیا تا به یحیی بود و از آن وقت بشارت به ملکوت خدا داده می‌شود و هر کس به جد و جهد داخل آن می‌گردد.» انجیل لوقا باب ۱۶ بند ۱۶ (صفحه ۱۷۳ کتاب)

لوقای قدیس در انجیل خود به تفصیل محاکمه عیسی مسیح را بیان می‌کند که آن را یهودیانی صورت دادند که چنین دانستند که او همان برپادارنده ملکوت خدا است و امید داشتند که از آنها باشد اما وقتی دیدند که از قوم دیگر برخاسته او را دستگیر کردند و به محاکمه کشاندند. (صفحه ۱۷۳ کتاب)

از همان زمان حضرت مسیح علیه السلام تا اکنون در طول تاریخ، مومنان مسیحی حالت انتظار بازگشت ایشان را داشته و دارند و هم اکنون در نماز روز یکشنبه و جز آن دعایی را می‌خوانند که خود مسیح علیه السلام به آنان آموخته است که در آن دعا به دولت خدایی و مورد انتظار اشارت دارد. آنجا که می‌گوید: «هرگاه دعا کنید گویند ای پدر (منظور خداوند است) ما که در آسمانی! نام تو مقدس باد! ملکوت تو بیاید و اراده تو چنانکه در آسمان است در زمین نیز کرده شود.» انجیل لوقا باب ۱۱ بند ۲ (صفحه ۱۷۴ کتاب)

نکته‌ای مهم پیرامون یهودیان و اسرائیل

در اوایل قرن ۱۶ میلادی توجه و عنایت واضح تری نسبت به انتظار پدیدار شد آن هنگام که بازگشت به عهد قدیم رخ داد؛ نه به خاطر آنکه مشهورترین کتاب بود بلکه از آن رو که تنها مرجع شناخت تاریخ عمومی بود. مسیحیان دوستار و علاقه مند کتاب مقدس به تدریج عهد قدیم را تنها تاریخ جدید خاورمیانه به شمار آوردند. (صفحه ۱۷۴ کتاب)

در سال ۱۶۵۵ میلادی پل فلورن هوفر، آلمانی پروتستان مذهب اعلام کرد که یهودیان به زودی با بازگشت دوباره حضرت مسیح اعتراف خواهند کرد که او همان مسیح آنهاست. وی در کتاب خود به نام «اخبار بسیار خوب برای اسرائیل» نوشت: «از نشانه هایی که بازگشت مسیح را تثبیت می کند، بازگشت دائمی یهود است به سرزمین شان!» در سال ۱۸۳۹ میلادی لرد آنتونی اشلی کوپر تمامی یهودیان را به هجرت به فلسطین تشویق کرد. (صفحه ۱۷۵ کتاب)

لرد کوپر چنین تفسیری از متون دینی داشت که بازگشت مجدد مسیح علیه السلام در صورتی تحقق می‌یافت که یهودیان در اسرائیل بازپس گرفته شده از مسلمانان زندگی کنند! سخن او برخاسته از این باور بود که خداوند وی را در تحقق نقشه الهی بازگشت همه یهود به فلسطین یاری می‌کند! (صفحه ۱۷۵ کتاب)

این باور در مسیحیان معتقد از ابتدای قرن ۱۷ میلادی حاکم شد که بنا به مکاشفه لاهوتی یوحنا، به زودی همراه مسیح علیه السلام تا ۱۰۰۰ سال در آسایش و امنیت به سر خواهند برد و این تا روز قیامت ادامه خواهد یافت. (صفحه ۱۷۵ کتاب)

به هر حال ملاحظه می‌کنیم که چگونه مسیحیان با انتظار بازگشت مجدد مسیح علیه السلام در تاریخ زندگی کرده اند. در نیمه قرن هفدهم میلادی تقاضاها و درخواست های زیادی تسلیم شد که میان آنها عریضه ای بود که در سال ۱۶۴۹ میلادی به دو حکومت انگلستان و هلند تسلیم گشت و در آنها سرعت انتقال یهودیان به فلسطین خواسته شده بود. زیرا به گمان درخواست کننده بازگشت مجدد مسیح علیه السلام تقریباً نزدیک بود. (منبع: بعد دینی در سیاست آمریکا، دکتر یوسف الحسن، صفحه ۲۴ و ۲۵) (صفحه ۱۷۶ کتاب)

در سال ۱۸۹۸ میلادی ادوین شارمن والس سرکنسول آمریکا در شهر قدس فلسطین چنین نوشت: «زمین در انتظار است و تمامی ملت آماده برای آمدن.» (منبع: پیشگویی و سیاست، گریس هالسل، صفحه ۱۴۱) (صفحه ۱۷۶ کتاب)

در اواخر قرن نوزدهم میلادی کشیش ویلیام پلاکستون، دعوتگران بازگشت یهود را به فلسطین گسیل کرد. او اولین کسی بود که در ایالات متحده آمریکا بخاطر تسریع و آماده سازی این بازگشت فشار سیاسی وارد ساخت و این را در کتاب خود بشارت داد. کتاب وی به نام «مسیح می آید» در سال ۱۸۷۸ میلادی منتشر شد و بعد از انتخاب به بیش از ۴۸ زبان زنده دنیا ترجمه شد و بیش از ۱ میلیون نسخه از آن پخش گردید و پرتیراژ ترین کتاب قرن ۱۹ میلادی شد. (صفحه ۱۷۶ کتاب)

بنیادگران مسیحی چنین پنداشتند که تشکیل دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ میلادی در فلسطین نشانه ای از نزدیکی بازگشت مجدد مسیح است. در سال ۱۹۷۰ میلادی هال لیندسی کتابی منتشر ساخت با نام «سیاره بزرگ و کوچنده زمین» که بعد از مدتی از روی آن فیلم سینمایی نیز ساخته شد. از این کتاب بیش از ۱۵ میلیون نسخه به فروش رفت و در آن به این تکیه شده بود که «مهمترین نشانه پایان تاریخ و بازگشت مجدد مسیح علیه السلام بازگشت یهود بعد از هزاران سال به سرزمین اسرائیل است.» (صفحه ۱۷۸ کتاب)

حرکت بنیادگرایی مسیحی مهمترین پدیده سیاسی آمریکا در قرن بیستم میلادی شمرده شده و بر روی سیاست آشکار دو حزب بزرگ آمریکا تاثیر بسیاری داشته است. همچنین فرقه های پروتستان مذهب که اکثریت این حرکت ها را تشکیل میدهد از تاثیرگذارترین کلیساها بر سیاست کلی آمریکا به حساب می آیند و یکی از این اثرگذاری ها مسئله حمایت از اسرائیل و انتظار بازگشت مجدد مسیح علیه السلام است. (صفحه ۱۸۰ کتاب) این تا جایی است که رونالد ریگان رئیس جمهور سالهای قبل آمریکا در سخنان خود از عبارات تورات نقل قول میکرد و از حقوق تاریخی یهود در فلسطین سخن به میان می آورد. او ایمان خود را به نزدیکی پایان جهان و جنگ بین خیر و شر تشریح و به نقش اسرائیل در این جنگ و نزدیک بودن بازگشت مجدد مسیح رهایی بخش اشاره کرد. (صفحه ۱۸۰ کتاب)

در سال ۱۹۴۲ میلادی «سازمان مجلس مسیحی فلسطین» به دست کشیش های پروتستان و شخصیت های سیاسی و حکومتی و مالی تشکیل گردید. تمامی این سازمان ها و موسسات به مردم تعلیم می دادند که «برترین کاری که یک مسیحی معتقد باید انجام دهد داشتن سهم مادی و معنوی در تحقق اراده الهی است مبنی بر بازگرداندن یهود به فلسطین برای به سازی بازگشت مسیح علیه السلام.» (صفحه ۱۸۱ کتاب)

بنیادگرایی مسیحی معتقد است که سه نشانه باید قبل از بازگشت مسیح وجود داشته باشد:

یک) بر پایی اسرائیل؛ که آن را تصدیق کننده بشارت دینی میدانند.

دو) اشغال بیت المقدس که معتقد هستند مسیح علیه السلام بعد از آمدن مجدد خود از آنجا بر جهان حکم خواهد راند.

سه) بازسازی ساختمان «هیكل سلیمان» بر ویرانه های مسجد الاقصی.

بعد از تکمیل این ساختمان جنگ «هرمجدون» (آرماگدون) واقع خواهد شد؛ جنگی هسته ای که بنا به اعتقاد انجیلیان و بنیادگرایان مسیحی در دشت «مجدو» بین قدس و عکا واقع خواهد گردید. در منابع اسلامی ما نیز بازسازی هیكل سلیمان یکی از علائم ظهور امام مهدی علیه السلام است که با فرود مسیح علیه السلام از نظر زمان و برنامه ارتباط دارد. (صفحه ۱۸۲ کتاب)

لازم است بدانیم در یک نظر سنجی که در سال ۱۹۸۴ در آمریکا انجام شد، ۳۹ درصد از مردم آمریکا گفته بودند که چون کتاب مقدس از نابودی زمین به وسیله آتش سخن گفته است معنی آن این است که در جنگ هسته ای هرمجدون ما خود کره زمین را نابود خواهیم ساخت. اگر این نظر سنجی درست باشد مفهوم آن این است که ۸۵ میلیون آمریکایی معتقدند که از یک جنگ هسته ای گریزی نیست. (صفحه ۱۸۳ کتاب)

از میان ۴۰۰۰ اصولگرای مسیحی که هر ساله در همایش‌های سالانه رادیویی و تلویزیونی دینی و ملی در آمریکا شرکت می‌کنند، ۳۰۰۰ تن اعتقاد دارند که تنها یک انفجار هسته‌ای بازگشت مجدد حضرت مسیح علیه‌السلام را در زمین امکان‌پذیر خواهد کرد. این در ۱۴۰۰ ایستگاه ادیویی تلویزیونی دینی در آمریکا تبلیغ می‌شود. (این مربوط به حدود ۴۰ سال پیش است.) (صفحه ۱۸۶ کتاب)

کشیش گریسویل پیشوای اولین کلیسای تعمیدی در ایالت دالاس آمریکا اعتقاد دارد که «تایید دولت اسرائیل نوعی عبادت محسوب میشود!» این کشیش ایمان دارد که وارد شدن به جنگ هرمجدون واجب است و فقط با این اتفاق بازگشت مجدد مسیح امکان‌پذیر است. (صفحه ۱۸۷ کتاب)

رونالد ریگان در سال ۱۹۸۰ میلادی نامزد ریاست جمهوری آمریکا بود و همواره از هرمجدون یا همان آرماگدون سخن می‌گفت و این دو جمله را از او نقل کرده اند:

یک) ما همان نسلیم که به سودی هرمجدون را خواهیم دید.

دو) پایان جهان هم اکنون در پیش روی ماست. (صفحه ۱۸۷ کتاب)

در همایشی بین‌المللی که سفارت مسیحیت جهانی آن را برپا کرد و ۶۰۰ تن از رهبران مسیحیت از ۲۷ دولت در آن حضور یافتند، یکی از تصمیمات دعوت به دعا برای آمدن حضرت مسیح علیه‌السلام بود. به اعتقاد مسیحیان مسیح برای برپایی فرمان خداوند و تحقق صلح جهانی به زمین باز خواهد گشت و زمام رهبری و هدایت جهانی را بر عهده خواهد گرفت و این فرماندهی از مرکز حکومت و در شهر قدس خواهد بود. (صفحه ۱۹۰ کتاب) اینگونه است که مسیحیان اروپا سعی کردند یهودیان را قانع سازند که هرچه سریع‌تر به فلسطین مهاجرت کنند تنها برای تسریع در بازگشت مجدد حضرت مسیح علیه‌السلام. (صفحه ۱۹۱ کتاب)

بعد از جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در ژوئن سال ۱۹۷۶ و پیروزی نظامی اسرائیل که در آن بیت المقدس و مسجد الاقصی اشغال شد، شهر قدس در تحت سلطه اسرائیل قرار گرفت. این از نظر اصول گرایان مسیحی کاری بس مهم و با اهمیت بود زیرا پیشگویی تورات وقوع پیدا کرده بود و بر نزدیکی پایان جهان دلالت میکرد. از نظر آنان شهر قدس همان جایی است که به هنگام بازگشت مجدد مسیح علیه‌السلام مرکز فرماندهی وی خواهد شد. (صفحه ۱۹۱ کتاب)

نجات بخشی اسلامی - مسیحی

بخش آخر این کتاب به پاسخ این سوال پرداخته است که آیا وعده ایجاد صلح و عدالت جهانی توسط امام زمان علیه‌السلام در اسلام با وعده ایجاد صلح جهانی توسط حضرت مسیح علیه‌السلام در مسیحیت، یک چیز است و یا با هم تفاوت دارد؟ به تعبیر دیگر آیا در آخرالزمان قرار است میان این دو رهبر بزرگ و پیروانشان جنگ و درگیری رخ دهد و یا اینکه اینان در کنار هم خواهند بود؟ نویسنده در صفحات بعدی کتاب تلاش کرده است تا بر اساس نصوص دینی قدیمی اسلام و مسیحیت نشان بدهد که آینده مشترکی بین این دو دین الهی وجود دارد. (صفحه ۱۹۶ کتاب)

در این بخش کتاب در حقیقت نکات مشترک روایات اسلامی و عبارات اناجیل ذکر شده است تا با نزدیک بودن محتوای آنها این مهم اثبات شود که حضور حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام در کنار امام زمان علیه السلام خواهد بود و یک آینده در انتظار اسلام و مسیحیت است. اولین مسئله «هدف ظهور امام زمان علیه السلام و فرود آمدن عیسی علیه السلام است» که در روایات و در عبارات انجیل لوقا هر دو به این اشاره شده است که هدف «برپایی حکم و فرمان خداوند در زمین» خواهد بود. (صفحه ۱۹۸ کتاب)

پیرامون حتمیت پیاده شدن حکم الهی در زمین نیز هم در روایات اسلامی به فراوانی سخن گفته شده است و هم در مسیحیت، پیرامون بحث ملکوت خدا از آن سخن گفته شده است و لذا می توان گفت که در اسلام و مسیحیت به یک نکته مهم اشاره شده است که حتماً در آخرالزمان و قبل از برپایی قیامت حکم الهی بر زمین پیاده خواهد شد. (صفحه ۲۰۰ کتاب) همچنین در روایات اهل بیت علیهم السلام و در انجیل مقدس آمده است که این دولت الهی در آخرالزمان تمام دنیا و غرب و شرق جهان را فرا خواهد گرفت.

نیز در روایات اهل بیت علیهم السلام و قرآن کریم و همچنین در عبارات انجیل مقدس اینگونه آمده است که اجرای فرمان خداوند بر روی زمین و مملکت و ملکوت او آرزوی محرومان و مستضعفان تاریخ بوده و در آن حکومت آنها خوشحال شده و آن حکومت از برای ایشان خواهد بود. (صفحه ۲۰۲ کتاب) نکته جالب توجه دیگر نشانه های برپایی حکومت آخرالزمان است که هم در روایات اسلامی و هم در اناجیل مسیحی به گرفتاری ها و بلاها و زلزله ها و بیماری ها از جمله مرگ فراگیر بسیاری از مردم به صورت تقریباً یکسان اشاره شده است. (صفحه ۲۰۶ کتاب)

اگرچه درباره ی حضرت مهدی علیه السلام در انجیل مقدس به صراحت جمله ای ذکر نشده است اما در روایات اسلامی به صراحت به بازگشت حضرت مسیح علیه السلام در کنار امام زمان علیه السلام اشاره شده و اقامه ی نماز او پشت سر امام زمان علیه السلام صریح بسیاری از روایات شیعه است. (صفحه ۲۱۲ کتاب)

نویسنده در صفحات پایانی کتاب خود به این موضوع پرداخته است که وقتی حضرت مسیح علیه السلام در بازگشت خود به دنیا این همه مسئولیت سنگین کمک به امام زمان علیه السلام در ایجاد عدالت و صلح در سطح جهان را دارد چگونه میشود که در دوران رسالت خود هیچ اشاره ای به ایشان نکرده باش؟ ایشان در سخنان خود به برپایی ملکوت خدا و نشانه های ظهور آن ملکوت در جملات زیادی سخن گفته است، حال چطور میشود که به امام زمان علیه السلام هیچ اشاره ای نکرده باشد؟ سپس نویسنده با بررسی این موضوع به برخی از عبارات انجیل اشاره کرده است و از آنها اینگونه برداشت کرده که منظور حضرت مسیح علیه السلام از عبارت «پسر انسان» وجود مقدس امام زمان علیه السلام بوده است. (صفحه ۲۱۷ کتاب)

البته به خاطر رمزآلود بودن سخنان ایشان برای مسیحیان این اعتقاد پیدا شده که منظور از پسر انسان خود حضرت مسیح علیه السلام است اما این اشتباه می باشد.

تلخیص توسط: حسین محمدی فام

۳ آبان ۱۴۰۴